

## سیاست آبستراکسیون

### در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی\*

علی اختری

دانشجوی دکتری تاریخ

مینا معینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ

زهرا حسین‌هاشمی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ



#### چکیده

آبستراکسیون در اصطلاح سیاسی، به عمل یا کوشش اقلیتی از نمایندگان مجلس برای جلوگیری از اخذ تصمیم و تصویب قانون، با استفاده از ابزار قانونی گفته می‌شود. این جلوگیری می‌تواند با استفاده از ارائه نطق‌های پیاپی، طرح موارد وقت‌گیر در زمان رأی‌گیری و خروج از صحن مجلس برای از اکثریت انداختن جلسه و لغو دستور یا لایحه مورد بحث صورت گیرد. در دوره مجلس چهاردهم، این سیاست، یکی از مهم‌ترین سلاح‌های نمایندگان اقلیت بود که به وسیله آن، مجلس را از اکثریت می‌انداختند تا مانع تصویب قوانینی شوند که مورد نظر آن‌ها نبوده است. ولی آیا استفاده از این سلاح در این دوره، ناشی از اغراض شخصی بود یا منافع جامعه و ملت را در نظر داشت؟ این سیاست، دوبار در مجلس چهاردهم مطرح گردید که هر دو بار از طرف اقلیت مجلس بود؛ بار اول، هدف، مخالفت با نخست‌وزیری محسن صدر بود که در پی آن چندین ماه مجلس در تنش به سر برد و بار دوم به کمک قوام‌السلطنه آمد. به نظر می‌رسد این روش در این دوره مجلس، یکی از راهکارهای خروج از بحران جناح‌گرایی و قوم‌گرایی بوده است. آبستراکسیون را می‌توان سیاست اتحاد و صف متشکل اقلیت در برابر اکثریت قلمداد کرد.

این مقاله بر آن است تا سیاست آبستراکسیون در دوره چهاردهم مجلس و کشمکش دو گروه اقلیت و اکثریت را بر سر این موضوع، مورد ارزیابی قرار دهد.

**کلیدواژه‌ها:** آبستراکسیون، مجلس چهاردهم شورای ملی، اقلیت، اکثریت، محسن صدر.

## مقدمه

نیرومندترین سلاح در برابر نخست‌وزیران را اصل هفتم قانون اساسی مشروطیت در دست مجلس گذاشته بود؛ این اصل می‌گوید:

در موقع شروع به مذاکرات باید اقلاً دو ثلث از اعضای مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی، سه‌ربع از اعضا باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند.

اصل ۶ نیز بر این روند می‌افزود:

منتخبین تهران - لدی الحضور - حق انعقاد مجلس را داشته؛ مشغول مباحثه و مذاکره می‌شوند. رأی ایشان در مدت غیبت نمایندگان ایالات و ولایات به اکثریت مناط اعتبار و اجرا است.

این مقررات پیش‌بینی می‌کرد که انتخابات به مدت چند هفته و حتی چند ماه به طول انجامد و نمایندگان حوزه‌های دوردست مدتی بعد از نمایندگان تهران، خود را به مجلس برسانند. بنابراین راه‌هایی برای استفاده از اصل «حد نصاب اکثریت نمایندگان» در اختیار مجلسی که مایل به سلطه بر نخست‌وزیران بود، قرار گرفت تا مخالفت خود را با کابینه‌های مصدر کار، ابراز نماید. یکی از این راه‌ها استفاده از سیاست آبستراکسیون بود.

ریشه واژه آبستراکسیون از «obstruction» به معنای مانع شدن است. در اصطلاح سیاسی، عمل یا کوشش اقلیتی از نمایندگان مجلس برای جلوگیری از اخذ تصمیم و تصویب قانون با استفاده از ابزار قانونی را گویند. این جلوگیری می‌تواند با استفاده از ارائه نطق‌های پیاپی، طرح موارد وقت‌گیر در زمان رأی‌گیری و خروج از صحن مجلس برای از اکثریت انداختن جلسه و لغو دستور یا لایحه مورد بحث صورت گیرد.<sup>۱</sup> بنابراین مجلس می‌توانست صرفاً با استفاده از سیاست آبستراکسیون با اقدامات پیشنهادی دولت مخالفت کرده و کابینه را ساقط نماید. به کار بردن این سیاست، ساده بود؛ کافی بود که پول مختصری به مشت‌اراذل و اوباش داد تا در برابر مجلس به تظاهرات بپردازند و برخی نمایندگان بزدل هم، از ترس پا به فرار بگذارند تا مجلس از اکثریت بیفتد؛ اتفاقی که در زمان نخست‌وزیری قوام در چهاردهمین دوره مجلس توسط طرفداران قوام به کرات اتفاق افتاد.

اما پرتشنج‌ترین حادثه مجلس چهاردهم آبستراکسیون اقلیت بود که در برابر اکثریت و بر ضد دولت صدرالاشرف روی داد. مسئله بر سر این بود که وقتی بیات برکنار شد و حکیمی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۴ به نخست‌وزیری ابراز تمایل نمود، زعمای اکثریت، بدون مشورت با سایر فراقسیون‌ها حکیمی را کنار گذاشتند و محسن صدر را به نخست‌وزیری انتخاب کردند. مطابق قانون، موقع شروع مذاکرات باید لااقل دوثلث اعضا و در هنگام اخذ رأی، سه چهارم اعضا حاضر می‌بودند و چون اکثریت به این اصل، عمل نکرد، اقلیت آن را باطل دانست و تقابل و کشمکش دو گروه اقلیت و اکثریت آغاز شد.

این مقاله ضمن بررسی سیاست آبستراکسیون در دوره چهاردهم مجلس، به تأثیراتی که این سیاست بر عملکرد مجلس چهاردهم نهاد، می‌پردازد.

۱. میاح، عبدالرحمان، اصطلاحات سیاسی (قم: پارسیان، ۱۳۸۲)؛ همچنین نک: آوری، پیترو، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۲ (تهران: عطائی، ۱۳۶۳)؛ ص ۲۶۷.

## مجلس چهاردهم

چهاردهمین مجلس قانون‌گذاری در تاریخ ۶ اسفندماه ۱۳۲۲ شمسی افتتاح شد و تاریخ رسمیت یافتن آن ۲۱ اسفند ماه ۱۳۲۲ شمسی برابر با ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۶۳ هـ.ق. بود. «انتخابات مجلس چهاردهم طولانی‌ترین، رقابتی‌ترین و بااهمیت‌ترین انتخابات در ایران معاصر بود»<sup>۱</sup> و قاعدتاً نخستین تجربه ملت ایران بعد از دیکتاتوری در یک انتخابات نسبتاً آزاد به شمار می‌رفت اما به دلایل فراوان از جمله حضور ارتش بیگانه در کشور و دخالت ارتش و دربار و سردمداران رژیم گذشته بر سیاست عمومی مملکت و عدم تشکل و ناآگاهی اکثریت مردم از آزادی و مشروعیت، امکان اینکه نمایندگانی در مفهوم حقیقی آن از طرف مردم راهی مجلس شوند، پیدا نشد.

نمایندگان این دوره از مجلس، تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و سیاسی روز در ضمن تشکیل گروه‌ها و فراکسیون‌های مختلفی با خط مشی سیاسی خاص و گاه دارای روش‌ها و عقاید افراطی، فعالیت خود را آغاز کردند. اما با اینکه این فراکسیون‌ها بین خودشان وحدت‌نظر نداشتند و در نتیجه از آغاز کار این مجلس، کشمکش‌های سختی بین دولت‌ها و مجلس و خود مجلسیان با یکدیگر به وجود آمد، در عین حال توانست تا حدی گام‌های مؤثر و مفیدی بردارد. حوادث سیاسی و عوامل مختلف دیگر، به تدریج در داخل مجلس، تفکیک دو گروه اکثریت و اقلیت را موجب گردید. اقلیت مجلس به رهبری دکتر محمد مصدق و همراه با فراکسیون حزب توده و عناصر افراطی دیگر به رهبری کمیته مرکزی حزب، در مقابل اکثریت مجلس به رهبری افرادی همچون سیدضیاءالدین طباطبائی و دکتر طاهری و جلیلی قرار گرفت.

## چگونگی روی کار آمدن صدرالاشرف

در پی استعفای بیات، مجلس در انتخاب جانشین برای او با مشکل مواجه شد. به مدت سه هفته، ایران دولتی نداشت. «طی این مدت، نمایندگان دست روی دست گذاشته بودند و درمورد خصلت‌های دوستان و خویشاوندان‌شان برای احراز منصب‌هایی در کابینه حرف می‌زدند.»<sup>۲</sup> سرانجام ابراهیم حکیمی برای مقام نخست‌وزیری معرفی شد. مردی که به گفته بولارد:

در عمر خویش هیچ‌کاری مهم‌تر از حمل قلیان آخرین شاه قاجار نکرده است و انواع افراد عتیقه را برای در اختیار گرفتن سمت‌ها از زیر خاک بیرون کشیده است.<sup>۳</sup>

حکیمی پس از تعیین وزرا، دولت خود را در روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه به مجلس شورای ملی معرفی کرد. بحث پیرامون برنامه دولت تا روز چهاردهم خرداد ادامه یافت و سرانجام چون پس از اخذ رأی

۱. آبراهامیان، پرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی (تهران: نی، ۱۳۹۱)، چاپ هجدهم؛ ص ۲۲۸.

۲. میرزاصالح، غلامحسین، *نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سر ریدر بولارد سفیرکبیر انگلستان در ایران* (تهران: طرح نو، ۱۳۷۱)، چاپ اول؛ تهران - ۱۳ مه ۱۹۴۵ (۱۳۲۴/۲/۲۳).

۳. همانجا.

دولت نتوانست تعداد آراء لازم و «حمایت فراکسیون‌ها»<sup>۱</sup> را برای کسب اعتبار به دست آورد، مجبور به کناره‌گیری شد.<sup>۲</sup> به این ترتیب، دولت حکیمی، پیش از آنکه رسماً شروع به کار کند، ساقط شد. با شکست حکیمی در جلب حمایت نمایندگان، لازم بود به جای وی نخست‌وزیری که کمتر از او دچار ضعف باشد، برای مقابله با روس‌ها و عوامل آنان منصوب گردد. نمایندگان اکثریت مجلس از جمله فراکسیون ملی، میهن، مستقل و دموکرات، همراه با تعدادی از نمایندگان منفرد، برای انتخاب نخست‌وزیر جدید در مجلس گردآمدند و از شصت و هشت نماینده حاضر در جلسه، شصت تن به محسن صدر رأی دادند. فراکسیون‌های آزادی، ملی، توده و سایر نمایندگان منفرد، در این جلسه حضور نداشتند.<sup>۳</sup>

محسن صدر که در قساوت و سنگدلی و داشتن افکار کهنه و ارتجاعی، سرآمد اقران بود،<sup>۴</sup> در سال ۱۲۸۷ شمسی بازپرس مشروطه‌خواهان زندانی در باغشاه بود و در دوره رضاشاه به وزارت دادگستری هم رسید. او فردی محافظه‌کار و مذهبی و در سلک روحانیون بود<sup>۵</sup> و به گفته بولارد:

به مکتب قدیم تعلق دارد و با عمامه که در قسمت اعظم دوران زندگی‌اش بر سر داشته، بهتر به نظر می‌رسد تا با کلاه پهلوی امروزی.<sup>۶</sup>

موفقیت غیرمنتظره صدر در کسب حمایت شصت نماینده، نوعی تبانی بین او و نمایندگان محسوب شد و واکنش شدیدی را در مجلس و محافل سیاسی برانگیخت. ناگهان تمامی قشرهای جامعه به صدا درآمدند. اعلامیه‌های شدیدالحن احزاب و گروه‌ها و مقالات آتشین مطبوعات مبتنی بر اینکه آزادی در خطر است،<sup>۷</sup> منتشر شد. حزب توده نیز تشکیل جبهه واحد ملی را برای مبارزه با صدراشرف<sup>۸</sup> مطرح ساخت. در مجلس، فراکسیون حزب توده، حزب آزادی، طرفداران دکتر مصدق و فراکسیون ملی، صدر را تأیید نکردند ولی چون اکثریت مجلس با او موافق بودند، موفق به تشکیل کابینه گردید.<sup>۹</sup> وی روز سه‌شنبه ۲۲ خرداد ماه هیئت وزیران را به حضور محمدرضاشاه و روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۲۴ برابر با ۱۱ شعبان ۱۳۶۴ هجری قمری ایشان را به مجلس شورای ملی معرفی نمود.

صدر از سه وزارتخانه مهم، وزارت کشور را به خود اختصاص داد؛ وزارت جنگ را به سرپرست درباری قبلی آن سپرد و وزارت امور خارجه را به یکی از سیاستمداران طرفدار بریتانیا یعنی «انوشیروان سپهبدی»<sup>۱۰</sup>

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۴؛ ص ۲۹۳.

۲. همان، ۱۲ خرداد ۱۳۲۴؛ ص ۳۹۹.

۳. عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی و بیژن نودری (تهران: البرز، ۱۳۷۲، چاپ اول)؛ ص ۱۶۴.

۴. سمیعی، احمد، سی و هفت سال (تهران: شباویز، ۱۳۶۷، چاپ چهارم)؛ ص ۱۰.

۵. عظیمی، همان؛ ص ۱۶۷.

۶. نامه بولارد به لرد هالیفاکس وزیر امور خارجه (شرح حال رجال عصر پهلوی)، ۲۴ آوریل ۱۹۴۰ (۱۳۱۹/۲/۴).

۷. سفری، محمدعلی، قلم و سیاست (تهران: نامک، ۱۳۷۹، چاپ دوم)؛ ص ۱۴۳؛ نیز نک: «وعده آزادی انتخابات جناب آقای نخست‌وزیر»، روزنامه ناهید، ش: ۱۶، ۱۴ خرداد ۱۳۲۴.

۸. همان؛ ص ۱۴۴.

۹. سمیعی، همان؛ ص ۱۰.

۱۰. همانجا.

واگذار کرد. از هفت وزارتخانه‌ای که اهمیت کمتری داشت، چهار وزارتخانه به فراکسیون‌های جنوبی و سه وزارتخانه به سیاستمداران هوادار دربار داده شد.<sup>۱</sup>

### مخالفان صدر

مهم‌ترین گروه مخالف دولت صدر، درون مجلس و به رهبری دکتر مصدق شکل گرفت. مصدق که از نحوه رفتار اکثریت مجلس در انتخاب صدرالاشرف رنجیده بود، سی‌تن از نمایندگان را برای مقابله با صدر و طرفدارانش به دور خود گردآورد تا اقلیت باثباتی را تشکیل دهد. او در مجلس علت تشکیل این اقلیت را این‌گونه توضیح داد:

... با اینکه اینجانب می‌خواستم تا آخر دوره، منفرد بمانم و یقین داشتم که هیچ‌وقت در این مجلس اکثریتی تشکیل نمی‌شود که با آن بتوانم تشریک مساعی نمایم، مصالح مملکت ایجاب نمود که برای تشکیل چنین اقلیتی، مقدم شوم زیرا در این موقع که چند ماهی به تهیه مقدمات انتخابات بیشتر نمانده است، باید دولت خوب و مخصوصاً وزیر کشوری که مطلقاً بی‌طرف باشد و انجام وظیفه را فرضیه خود بدانند، روی کار بیاید تا اینکه وضعیت دوره پانزدهم مثل این دوره نشود و برای تشکیل این اقلیت باید در حدود ۳۰ نفر متفق شوند زیرا مطابق اصل هفتم قانون اساسی «در موقع شروع به مذاکرات باید اقلماً دو ثلث از اعضای مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع اعضا» و چون نمایندگان مجلس، قریب ۱۲۵ نفرند، چنانچه عده اقلیت از ۳۰ نفر کمتر باشد، بلااثر است و مجلس را نمی‌توان از رسمیت انداخت و مراد از اقلیت ثابت، این نیست که مجلس را تعطیل کند بلکه حربه‌ای است در مقابل اکثریت برای اینکه رویه خود را تغییر دهد و مصالح عمومی را از نظر دور نکند.<sup>۲</sup>

مصدق با پشتیبانی بسیاری از نمایندگان اقلیت، مصرانه از انتخاب نخست‌وزیران و وزرای جانبداری می‌کرد که «جوان بوده و پیشینه وزارت نداشتند»<sup>۳</sup> و نیز کسانی که «از سیاست موازنه منفی پیروی کرده»<sup>۴</sup> و می‌کوشیدند تا هیچ‌یک از دو دولت روس و انگلیس به امتیازات نابجا در ایران دست نیابند؛ مردانی که در واقع به هیچ‌کدام از دو قدرت مزبور، وابسته نبودند.

علاوه بر مخالفت خصمانه اقلیت، صدر با دو جبهه دیگر مخالف در بیرون از مجلس روبه‌رو شد. حزب توده و عده‌ای از نمایندگان متمایل به چپ، همین که متوجه شدند صدر در مقام جلوگیری از پیشرفت مقاصد آن‌هاست، به مخالفت با وی برخاستند و در روزنامه‌ها<sup>۵</sup> و «میتینگ‌های خود نسبت‌های دژخیم باغشاه و قصاب باغشاه»<sup>۶</sup> را به وی می‌دادند. علاوه بر این، در سطح کشور به تحرکاتی دست زدند که اوضاع دولت را آشفته ساخت.

۱. آبراهامیان، یرواند، فرقه‌گرایی در ایران؛ مجموعه مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی‌فارسانی (تهران: پردیس دانش، ۱۳۸۷)، ص ۲۰۴.

۲. کی‌استوان، حسین، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۲ (تهران: روزنامه ظفر، ۱۳۲۷)، صص ۳۳-۳۴.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، ش: ۱۸۲، ۵ مهر ۱۳۲۴؛ ص ۶۱۵.

۴. همان، شماره ۱۶۸، ۲۲ شهریور ۱۳۲۴؛ ص ۵۶۱.

۵. رجوع کنید به روزنامه‌های مردم، رهبر و رزم، سه ارگان اصلی حزب توده.

۶. صدر، محسن، خاطرات صدرالاشرف (بی‌جا: وحید، ۱۳۶۴، چاپ اول)؛ ص ۴۲۳.

در طرف دیگر، شاه قرار داشت که از آغاز زمامداری صدر، توجه کمی نسبت به او نشان داده بود. محمدرضا شاه «از آغاز سلطنت هیچ موافقتی با صدر نداشت»<sup>۱</sup> و در دوران نخست‌وزیری او نیز نه تنها هیچ حمایتی از او نمی‌کرد بلکه برای تضعیف هرچه بیشتر کابینه اقدام می‌نمود. اشتغال شاه به دسیسه‌گری علیه صدر، معلوم بود؛ به‌طور مثال استعفای امان‌الله اردلان و وزیر دادگستری و احمد اعتبار وزیر پست و تلگراف و تلفن، چند روز پس از اعتصاب آنان، ناشی از نفوذ شاه بود.<sup>۲</sup>

مخالفت شاه با صدر، عمدتاً ناشی از رنجش و میل وی به تسویه حساب با اکثریت نمایندگان بر سر رد کردن دولت حکیمی بود<sup>۳</sup> که تعدادی از وزیران منتخب شاه عضو آن بودند.

### مخالفت اقلیت، حمایت اکثریت

همان‌طور که گفته شد مهم‌ترین مخالفان صدر، گروه اقلیت بودند که پیوسته و سرسختانه وی و اکثریت مجلس را براساس ایراداتی که معمولاً از سوی دکتر مصدق مطرح می‌شد، مورد مخالفت قرار می‌دادند.

آن‌ها صدر را «مظهر ارتجاع»<sup>۴</sup>، «فردی سالخورده و بی‌کفایت»<sup>۵</sup>، بی‌اطلاع از مسائل سیاست و جامعه ایران، «مردی نه چندان در بند اصول، آماده برای انجام کلیه خواست‌ها و توقعات هواداران، خدمتگزار بی‌قید و شرط دربار (چه قاجار، چه پهلوی) و زیاده از حد همدستان با انگلیسی‌ها»<sup>۶</sup>، می‌دانستند. از دیدگاه اقلیت، در زمانی که روابط ایران و شوروی به سطحی پایین فروکش کرده بود و طی دوران حساس پس از جنگ که انتظار تخلیه ایران از نیروهای متفقین می‌رفت، نخست‌وزیری صدر نه تنها در رفع سوءتفاهمات بین ایران و شوروی مؤثر نبود، بلکه شکاف موجود بین دولتین را عمیق‌تر نیز می‌کرد و موجب پیچیدگی و ابهام بیشتر اوضاع می‌شد؛<sup>۷</sup> افزون بر آن، اقلیت، زمامداری صدر و پافشاری اکثریت در تحکیم آن را «تلاشی عمدی برای حذف آنان از صحنه فعالیت مثبت سیاسی»<sup>۸</sup> می‌انگاشت و نتیجتاً برای خود راه دیگری جز ادامه سیاست کارشکنی نمی‌دید.

برای اکثریت دشوار بود تا در برابر چنین اتهاماتی به بحث و استدلال در حمایت از صدر بپردازد. علی‌دشتی رهبر فراکسیون مستقل اذعان داشت که کشور از فقدان رجال قابل، رنج می‌برد و «دیگر کسی نمانده است»<sup>۹</sup>. با این همه، رهبران اکثریت اعتقاد داشتند که صدر تنها نامزدی است که می‌تواند مطابق با خواسته‌های آن‌ها عمل کند. اکثریت نمایندگان بر این باور بودند که فقط روابط نزدیک با غرب می‌تواند از

۱. همان؛ ص ۵۱۷.

۲. عظیمی، همان؛ ص ۱۷۱.

۳. همانجا.

۴. آرامش، احمد، *خاطرات سیاسی احمد آرامش*، به کوشش غلامحسین میرزا صالح (اصفهان: جی نشر، ۱۳۶۹، چاپ اول)؛ ص ۴۶.

۵. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، ۶ تیر ۱۳۲۴؛ ص ۴۵۴.

۶. عظیمی، همان؛ ص ۱۶۵.

۷. آرامش، همان؛ ص ۴۶.

۸. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، ۱۵ مهر ۱۳۲۴؛ ص ۶۳۵.

۹. همان، ۶ تیر ۱۳۲۴؛ ص ۴۵۵.

ایران در مقابل فشار روس‌ها حمایت کند. نخست‌وزیری صدر می‌توانست «تأکیدی مجدد بر حسن نیت ایران نسبت به انگلیسی‌ها» محسوب شود. اکثریت معتقد بود که اگر صدر را در برابر مخالفت اقلیت رها کند و اقلیت با سیاستی که در پیش گرفته، پیروز شود، آبستراکسیون‌های بعدی هر اقلیتی که خواهان برکناری نخست‌وزیر باشد، بدعتی خطرناک می‌گذارد.<sup>۲</sup>

### آبستراکسیون ابزاری مؤثر در اختیار اقلیت

نمایندگان اقلیت با استفاده از روش آبستراکسیون، سه ماه تمام از اواخر خرداد تا اواخر شهریور، مجلس را تحریم کردند. هر زمان که صدرا لاشرف برای گرفتن رأی اعتماد، کابینه‌اش را به مجلس معرفی می‌کرد، مخالفان، مجلس را ترک می‌گفتند تا حدّ نصاب لازم برای رأی‌گیری حاصل نشود و به این ترتیب، مانع انجام کار می‌شدند.

پس از یک سلسله مذاکرات، نمایندگان اقلیت، حاضر به همکاری شدند و چون نمی‌خواستند با نمایندگان اکثریت علناً مخالفت کنند، آن‌ها را به اصل هفتم قانون اساسی متوجه ساخته و تقاضا نمودند که جلسه دیگری مرکب از تمام نمایندگان اکثریت و اقلیت با هم تشکیل داده و تجدید رأی به عمل آید. ولی نمایندگان اکثریت موافقت نمودند<sup>۳</sup> و صدر به پشتیبانی آن‌ها دولت خود را در ۲۲ خرداد به شاه معرفی و از همان روز شروع به کار کرد. این عدم توجه سبب شد که نمایندگان اقلیت در مجلس شورای ملی، جلسه‌ای تشکیل دهند و طی این جلسه، راجع به روش خود در قبال اکثریت و وضع دولت، بیانیه‌ای منتشر نمایند:

... توجه به مصالح، ما را بر آن داشت که از نمایندگان اکثریت تقاضا کنیم که در تصمیم خود تجدیدنظر نمایند و برای اداره امور کشور در چنین موقع خطیری، شخصی را در نظر گیرند که قادر به حل مسائل سیاست خارجی و معضلات داخلی بوده و مخصوصاً مورد احترام قاطبه ملت باشد. حتی حاضر شدیم برای رعایت صلاح کشور و رفاه و آسایش عموم و جلوگیری از هرگونه تشّت و اختلافی، با نهایت صمیمیت با آنان توحید مساعی نموده؛ اکثریت تام و تمامی به وجود آوریم تا چنین دولتی با پشتیبانی کامل عموم نمایندگان، با فراغت بال و آسایش خیال بر مشکلات موجود فائق آید. اکثریت فعلی که مست غرور موقعیت خود در انتخاب رئیس دولت گشته و به‌زعم خویش آنچه را که خواسته است، به دست آورده، التفاتی به اهمیت قضیه نموده و دست دوستی و اتحاد ما را رد کردند. چون ادامه این رویه که برخلاف مصلحت و مقتضای وقت است، نتایج نامطلوبی را در بر خواهد داشت و ممکن نبود بیش از پانزده ماه شاهد و ناظر این قبیل افکار و اعمال باشیم، ناگزیر، تصمیم گرفتیم افکار عامه را از جریان امر، مستحضر داشته و در برابر اکثریت به مقاومت پردازیم<sup>۴</sup> ...

۱. عظیمی، همان؛ ص ۱۶۶.

۲. همانجا.

۳. کی‌استوان، همان؛ ص ۳۵.

۴. روزنامه اطلاعات، ش: ۵۷۸۵، ۲۳ خرداد ۱۳۲۴؛ ص ۱.

پس از صدور بیانیه اقلیت در ۲۷ خرداد، صدر، نامه‌ای به رئیس مجلس نوشت و آماده بودن دولت را برای معرفی تذکر داد.<sup>۱</sup> نمایندگان اقلیت نیز نامه‌ای در جواب نوشتند و توسط ریاست مجلس به دولت ابلاغ نمودند:

نمایندگان اقلیت از مقام ریاست مجلس درخواست می‌کنند که به جناب آقای صدر، اعلام فرمایند دولت خود را هر چه زودتر بیاورند. بدیهی است که اگر مشاهده فرمودند وضع مجلس با دولت ایشان مساعد است و اکثریت قابل توجهی هست که بتواند پشتیبان دولت و گذراندن لوایح ایشان باشد، می‌مانند و الا وظیفه هر شخص وطن‌پرست، این است که در این قبیل موارد، به ضرر کشور راضی نشود و برای جلوگیری از اتلاف وقت و بحران از کار کناره نماید و نیز به جناب ایشان ابلاغ فرمایید که از اتخاذ تصمیماتی که شایسته دولت معرفی نشده می‌باشد، خودداری فرمایند.<sup>۲</sup>

بعد از این مکاتبات، اقلیت تصمیم گرفت که دولت را در مجلس نپذیرد و در جلسه ۲۹ خرداد که لایحه بودجه مجلس مطرح بود، همین که صدر با هیئت دولت خود حضور یافت، عده‌ای از نمایندگان از جلسه خارج شدند و چون مجلس از اکثریت افتاد، رئیس، جلسه را ختم نمود و سید ضیاءالدین طباطبایی که از طرفداران دولت بود، چنین اظهار کرد:

وقتی که لیاخوف روسی این مجلس را ... به توپ بست، من و این امیر جنگ اینجا ماندیم و دفاع کردیم و پایداری نمودیم و مجلس را نگه داشتیم. لیاخوف روس رفت و مرد ولی مشروطیت ایران زنده و پایدار ماند. الان ۶۸ نفر از این دولت پشتیبانی می‌کنند، ما از اقلیت امتنان داریم زیرا اکثریت را به وظیفه‌ای که در حکومت به کشور دارد، آگاه کرد و مطابق حق پارلمانی خود حکومت می‌کنیم.<sup>۳</sup>

در روز پنجم تیرماه دکتر مصدق در مجلس حضور یافت و ضمن پیشنهاد خروج بودجه از دستور، نظرات اقلیت متشکل را در مورد علل مخالفت با دولت صدر بیان کرد:

آقای صدر، از حیث سن و سابقه برای کاری که در نظر گرفته شده‌اند، صلاحیت ندارند ... ایشان اکنون ۹۶ سال دارند ... سوابق آقای صدر در استبداد صغیر و اطاعت کورکورانه ایشان از احکام دیکتاتوری، سبب شده که افکار عمومی با زمامداری ایشان موافقت نکند و معلوم نیست از روی چه نظر آقایان نمایندگان اکثریت، از کسانی که مورد توجه جامعه هستند، صرف‌نظر می‌کنند و به دنبال کسانی می‌روند که دخالت آن‌ها در کار، وضعیت داخلی و بین‌المللی ما را وخیم‌تر کند.<sup>۴</sup>

مصدق همچنین از اکثریت مجلس که با حضور ۶۸ نفر در جلسه رأی تمایل داده و نخواستند که دیگران هم در این رأی‌گیری شرکت داشته باشند، انتقاد کرد و افزود:

... در این موقع که مملکت هزار جور گرفتار و محتاج به دولت رسمی است، معلوم نیست این اشخاص چه خدمات گرانبهایی می‌خواهند به مملکت بکنند و چه نقشه‌ای برای اصلاحات ترسیم کرده‌اند که با نداشتن مقام رسمی، به وزارتخانه‌ها حاضر می‌شوند و نمی‌خواهند تکلیف مملکت را معلوم نمایند و چون بر طبق قسمت سیّم اصل ۲۷ متمّم قانون اساسی، «قوة اجرائیه، مخصوص پادشاه است؛ معلوم نیست که

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، ۲۷ خرداد ۱۳۲۴؛ ص ۴۴۸ و روزنامه اطلاعات، ش: ۵۷۸۹، ۲۸ خرداد ۱۳۲۴؛ ص ۱.

۲. همانجا.

۳. روزنامه اطلاعات، ش: ۵۷۹۰، ۲۹ خرداد ۱۳۲۴؛ ص ۱.

۴. همان، ۶ تیر ۱۳۲۴؛ ص ۴۵۴.



اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی، از چه نظر راضی شده‌اند اشخاصی که به مجلس معرفی نشده و بعضی از آن‌ها فاقد صلاحیت‌اند، در قوه مجریه حاضر شوند و مملکت را بلا تکلیف گذارند.<sup>۱</sup>

در چنین شرایطی روز هشتم تیرماه ۱۳۲۴، سیدضیاءالدین طباطبایی در محل حزب اراده ملی با حضور جمع کثیری از هوادارانش خطابه‌ای درباره مسائل روز ایراد کرد که این خطابه به نوبه خود بر تشنجات افزود. سیدضیاءالدین در این خطابه پس از تشریح اوضاع آشفته و بحرانی مملکت، مقایسه‌ای بین مجلس سیزدهم و چهاردهم به عمل آورد. سیدضیاءالدین در همین خطابه به شدت به اقلیت حمله برد و به آنان نسبت عناد و غرض‌ورزی داد و مدعی شد که اکثریت مجلس، تابع اصول است ولی اقلیت خود را مقید به رعایت اصول مشروطه نمی‌داند و هشدار داد که اکثریت هرگز تابع اقلیت نخواهند شد زیرا این، مبارزه‌ای است برای استقلال ایران و این استقلال، قابل تفسیر و تعبیر نیست.<sup>۲</sup>

ادامه آبستراکسیون و عدم رأی اعتماد به دولت صدر، موجب شد که در تاریخ ۹ تیرماه دربار از نمایندگان اکثریت و اقلیت و فراکسیون توده دعوتی به عمل آورد. در این جلسه، نماینده فراکسیون‌های مختلف، توضیحات مشروح خود را در مخالفت و موافقت با رئیس دولت و جریان انتخاب و تمایل به زمامداری به عرض مقام سلطنت رساند. شاه به منظور حسن جریان امور و رفع بحران ناشی از اختلاف‌ها، اتحاد و توافق دو طرف را توصیه کرد.<sup>۳</sup> این شرفیابی هم نتیجه نداد و اختلافات اقلیت و اکثریت مجلس همچنان ادامه داشت. در ۲۵ تیرماه، صدر، طی دیداری با نمایندگان اقلیت، گفت: در صورتی که تعداد اعضای اقلیت به چهل تن برسد، او چاره‌ای جز استعفا نخواهد داشت. اقلیت، این گفته را حمل بر تعهد صریح وی به استعفا کرده بود. در ۲۶ تیرماه دولت درخواست خود را برای رأی اعتماد تکرار نمود و چهل نماینده اقلیت در جلسه باقی ماندند تا به دولت رأی مخالف دهند. شمار آراء موافق، ۷۰ و ممتنع ۴ رأی بود.<sup>۴</sup> با وجود این، صدر از استعفا سر باز زد و مجدداً آبستراکسیون شروع شد. نمایندگان اقلیت این بار تصمیم گرفتند که حتی در محوطه مجلس هم حاضر نشوند ولی به دعوت عده‌ای از نمایندگان که به آن‌ها قول همکاری داده بودند، دوباره در جلسات حاضر شدند.<sup>۵</sup> به هر حال، خلف وعده هم به فهرست اتهامات صدر اضافه شد.

سیاست‌ها و اقدامات صدر و حوادثی که در تابستان رخ داد، دامنه اختلافات را وسیع‌تر ساخت. صدر لوائح اصلاحی بیات را بازپس گرفت؛ محدودیتی را که بر اعضای جبهه استقلال اعمال شده بود، از میان برداشت؛ کمیته پارلمانی مأمور رسیدگی به فساد در فروش مجوزهای وارداتی را منحل کرد؛ عشایر ضدتوده‌ای را مسلح و افسران دست چپی را از نیروهای مسلح تصفیه نمود. علاوه بر این، صدر با امضای

۱. همانجا.

۲. سفری، همان؛ ص ۱۵۲.

۳. شجیعی، زهرا، *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، ج ۳ (تهران: سخن، ۱۳۷۲)، چاپ اول؛ ص ۲۱۱.

۴. عظیمی، همان؛ ص ۱۷۰.

۵. کی‌استوان، همان؛ ص ۶۹.

موافقت‌نامه مالی جدیدی با بانک شاهنشاهی ایران که در مالکیت انگلیس بود، ایران را به قلمرو استرلینگ وارد کرد.<sup>۱</sup> در این شرایط، مخالفان چاره‌ای نمی‌دیدند جز آنکه همچنان به تحریم مجلس ادامه بدهند. آبستراکسیون اقلیت کماکان ادامه داشت و جلسات علنی مجلس شورای ملی تشکیل نمی‌شد. در همین اوقات، حوادثی روی داد که اوضاع را بیش از پیش آشفته کرد. در ۲۴ مرداد عده‌ای از افسران پادگان خراسان متمرکماً با اسلحه و وسایل دولتی از مشهد حرکت و در بین راه، یکی دو پادگان نظامی را خلع سلاح نموده و به صفحات ترکمن صحرا وارد شدند. این جریان که به واسطه وضعیت مجلس و دولت پیدا شده بود و عامل مهم آن، تحریکات خارجی بود، در جامعه ایجاد نگرانی نمود و مردم انتظار داشتند که مجلس راه حلی پیدا کند. لذا پنج نفر از نمایندگان در جلسه اقلیت آن روز که در منزل دکتر مصدق تشکیل شده بود، حضور به هم رسانیدند و از طرف خود و یازده نفر دیگر از نمایندگان تعهد نمودند که نمایندگان اقلیت در جلسات مجلس شرکت کنند و قبل از برنامه دولت، مطلب دیگری طرح نشود و متعهدین به برنامه، ورق آبی بدهند.<sup>۲</sup> اقلیت به وعده خود وفا نمود و در جلسه چهارم شهریور در مجلس حاضر شد ولی اکثریت نخواست در مورد برنامه بحث شود و بدر، وزیر دارایی، لایحه دو دوازدهم مرداد و شهریور را تقدیم مجلس کرد و اعتراضات نمایندگان اقلیت (دکتر معظمی، تهرانچی و مهندس فریور) که معتقد بودند تا به برنامه دولت رأی اعتماد داده نشود، دولت نمی‌تواند لایحه‌ای به مجلس تقدیم نماید، به جایی نرسید و نمایندگان اکثریت نخواستند تکلیف دولت معلوم شود.<sup>۳</sup> در این میان، وقایعی در شمال (شاهی، ساری، بابل، چالوس، گنبد قابوس، مراغه و گرگان) روی داد؛ از جمله در اثر تحریکات حزب اراده ملی، قادی کلاهی‌ها در شاهی ایجاد ناامنی نمودند و در ساری و سایر نقاط علیه حزب توده اقداماتی به عمل آمد و مأمورین شوروی در بعضی نقاط در امور داخلی، مداخله و از اعزام ژاندارم و استفاده از نیروهای نظامی جلوگیری نمودند<sup>۴</sup> ولی اکثریت از دولت دست‌بردار نبود و جلسات مجلس که در ۱۵ و ۱۸ شهریور تشکیل گردید، به بحث در اطراف لایحه دو دوازدهم بودجه سپری شد.<sup>۵</sup>

هرقدر از حکومت صدر می‌گذشت، حدوث وقایع نامطلوب در نقاط مختلف کشور بیشتر می‌شد. بعد از وقایع خراسان و قسمت‌های شمالی، در اواسط شهریور در آذربایجان وقایع تازه‌ای رخ داد. در لیقوان یک نفر از ملاکین مهم به نام حاجی احتشام به دست رعایای خود که عضو حزب توده بودند، کشته شد و همچنین عده‌ای از زندانیان قصد فرار از محبس تبریز را داشتند که اسلحه نظامیان آن‌ها را از این تصمیم منصرف کرد.<sup>۶</sup> در اواسط شهریور، حزب دموکرات آذربایجان طی اعلامیه‌ای خواستار خودمختاری آذربایجان شده و هدف‌هایی را اعلام کرد که به مذاق دولت خوشایند نبود.<sup>۷</sup>

۱. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، همان؛ ص ۲۶۷.

۲. کی استوان، همان؛ ص ۶۷.

۳. همان؛ ص ۶۸.

۴. همانجا.

۵. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، ۱۹ شهریور ۱۳۲۴؛ صص ۵۴۹-۵۴۶.

۶. عظیمی، همان؛ صص ۱۶۹-۱۶۸؛ کی استوان، همان؛ ص ۷۶.

۷. عظیمی، همان؛ ص ۱۶۹.

در تهران، صدر برای برجیدن تجمعات عمومی، حکومت نظامی برقرار کرد؛ فعالیت حدود چهل و هشت نشریه و روزنامه وابسته به جبهه آزادی را ممنوع ساخت و دفاتر حزب توده را اشغال و بیش از یکصد نفر از اعضای حزب را بازداشت کرد.<sup>۱</sup> نمایندگان توده که در مجلس شورا بودند، برای اعتراض به دستگیری اعضای حزب و اشغال کلوب توده و توقیف روزنامه‌های ارگان خود، اجتماع کرده و به طرف کلوب مرکزی رفتند تا کلوب را از دست نظامیان پس بگیرند. دکتر کشاورز که از سردسته‌های مهم توده و وکیل مجلس بود، با جمعیت برای تصرف کلوب رفت ولی کتک خورد و سرشکسته برگشت و با حالت خون‌آلود به مجلس رفت و اعضای حزب در مجلس غوغا برپا کردند ولی غوغا به‌زودی خاموش شد.<sup>۲</sup>

با آنکه وقایع تابستان ۱۳۲۴، هم اکثریت و هم اقلیت را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده بود، آنان هنوز وادار به سازش میان خود نشده بودند و در عوض، یکدیگر را به سبب تحولات جاری، آماج سرزنش و انتقاد قرار می‌دادند. اکثریت مجلس چون به موفقیت خود در انتخابات مجلس پانزدهم کاملاً اطمینان نداشت، از دولت صدر پشتیبانی می‌کرد و اقلیت همچنان مانع از آن می‌شد که موقعیت دولت از نظر قانونی تثبیت و حد نصاب در مجلس حاصل گردد. جلسات مجلس شورای ملی هم با اینکه مرتباً تشکیل می‌شد، بی‌نتیجه بود زیرا لوایح تقدیمی وزرا به‌واسطه اینکه هنوز تکلیف دولت معین نشده بود، تصویب نمی‌گردید و بدین ترتیب اوقات گران‌بهای کشور تلف می‌شد.

برای اینکه افکار عمومی از علت آبستراکسیون مطلع گردند و اقلیت را مورد سرزنش قرار ندهند، دکتر مصدق در جلسه ۲۰ شهریور طی نطقی دلایل آبستراکسیون را توضیح داد. وی ابتدا از نمایندگان اکثریت و دولت‌های بیگانه که سعی می‌کردند دولت‌ها و نمایندگان موافق خود را روی کار بیاورند، انتقاد کرد. سپس افزود که دسته‌بندی‌های سیاسی مجال نمی‌دهد که مردان لایق، وارد کار شوند و «وزرای نادرست، برای انجام نظریات خود، اشخاص درست را برکنار و اشخاص بد را مصدر کار می‌کنند.»<sup>۳</sup> سپس این‌طور عنوان کرد که اقلیت تنها نمی‌تواند به دادن تذکر در ترک رویه مجلس قناعت کند بلکه باید «دست به اقدامی اساسی بزند تا اکثریت متوجه عواقب رفتار خود بشود و ترتیبی پیش بیاید که وضعیت بهتر و از وخامت اوضاع کاسته شود.»<sup>۴</sup> پس اقلیت، موظف است که از حضور در جلسات مجلس خودداری کند تا دولت صدر برکنار شده و دولتی روی کار بیاید که پیرو سیاست موازنه منفی باشد.

در اواسط مهرماه با افزایش مخالفت‌ها و مسلم شدن این امر که دیگر کاری از دست دولت ساخته نیست، صدر تصمیم به استعفا گرفت و خیال خود را با شاه در میان گذاشت. شاه با اینکه باطناً مایل به استعفای وی بود ولی از او خواست که اندکی بیشتر صبر کند. شاه منتظر آن بود تا وقایع، مسیر طبیعی خود را طی کند؛ به‌ویژه آنکه احتمال داشت حکیمی جای صدر را بگیرد.<sup>۵</sup>

۱. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، همان؛ ص ۲۶۷.

۲. سفری، همان؛ ص ۱۴۶.

۳. *مشروح مذاکرات مجلس*، دوره چهاردهم، ۲۲ شهریور ۱۳۲۴؛ ص ۵۶۱.

۴. همانجا.

۵. عظیمی، همان؛ ص ۱۷۱.

همان‌طور که اشاره شد شاه از همان ابتدا «هیچ‌گونه حمایتی از کابینه<sup>۱</sup>» صدر نداشت و رفتار او بر ضعف بیشتر دولت می‌افزود.

انتظار بیشتر صدر هم نتیجه‌ای نداد و او سرانجام پس از شش ماه، در ۲۹ مهرماه ۱۳۲۴ استعفای خود را به شاه تقدیم و از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد.

پس از سقوط دولت صدر، دکتر مصدق، بیانیه‌ای منتشر کرد و از کلیه کسانی که برای مخالفت با دولت صدر تشکیل اقلیت داده و تا سقوط آن وفادار بودند، تشکر و قدردانی کرد. وی در ادامه این‌طور عنوان کرد که در آینده نیز از نخست‌وزیری حمایت خواهد کرد که دولتش را از کسانی تشکیل دهد که وابسته به هیچ سیاستی نباشند و مورد توجه افکار عمومی قرار گیرند.<sup>۲</sup>

روزنامه‌اطلاعات که از موافقین دولت بود و دو نفر نماینده در مجلس داشت که به کابینه رأی اعتماد داده بودند، در مقاله‌ای ضمن انتقاد از اقلیت چنین نوشت:

آقای صدر... پیوسته با آقایان نمایندگان که ملاقات می‌نمودند، می‌گفتند که زودتر به اختلاف‌نظرها خاتمه بدهید؛ بین اقلیت و اکثریت، اتفاق ایجاد نمایید و برای نخست‌وزیر آینده فکری بیندیشید و به این بلا تکلیفی خاتمه دهید... اقلیت چهل نفری مجلس، حرفی که روز اول می‌زد تا آخر دوره [در] اظهار آن پایداری و مقاومت نمود... تا روز آخر گفتند ما با آمدن صدر مخالف بوده و هستیم. اما دلایل مخالفتشان را هم نگفتند؛ یعنی درحقیقت معلوم نشد که مخالفت اقلیت صرفاً روی کنار ماندن آن‌ها در انتخاب نخست‌وزیری صدر بوده یا در شخص صدر، مشکلاتی را سراغ داشتند؛ این قضیه بالأخره هم معلوم نشد.<sup>۳</sup>

در مقابل روزنامه‌کیهان که در تمام مدت آبستراکسیون، با اقلیت همکاری می‌نمود، در مقاله‌ای تحت عنوان استعفای دولت یا شکست ارتجاع، نوشت:

دیروز ساعت ۴ بعدازظهر، آقای صدر به حضور اعلی‌حضرت همایون شرفیاب شده؛ استعفا داد و اعلی‌حضرت همایونی نیز استعفای او را قبول فرمودند... چرا این‌قدر در ابقای صدر اصرار داشتند؟ هرکس این بازیگران مجلس و دسته‌ای را که برای حفظ حیات طفیل خود متحد شده‌اند، بشناسد و از سوابق و روحیه آقای صدر پُر بی‌اطلاع نباشد، خودش جواب این سؤال را می‌داند... [برای ریشه‌کن کردن نهال آزادی] رفتند و صدر را پیدا کردند و گویا هم نیکو یافتند برای اینکه در این مدت کوتاه، صدر نشان داد که از برای اجرای اغراض آن‌ها خوب آلتی است؛ هرچه از این دولت، روز گذشت، وضع مملکت آشفته‌تر و متشنج‌تر گردید و هرچه وضع مملکت، متشنج‌تر شد، این‌ها در ابقای دولتی که وجودش موجب این تشنجات بود، بیشتر اصرار کردند و همه چیز را زیر پا گذاشتند.<sup>۴</sup>

### آبستراکسیون در دوره قوام

در اوایل نخست‌وزیری قوام که همزمان با اواخر کار مجلس چهاردهم بود، باز از سیاست آبستراکسیون به عنوان ابزاری برای نیل به اهدافی خاص استفاده شد. ولی این بار برخلاف دوره صدر، این ابزار توسط موافقان نخست‌وزیر به کار رفت، نه مخالفان وی. این بار، اقلیت به طرفداری از نخست‌وزیر برخاسته بود.

۱. صدر، همان؛ ص ۴۲۷.

۲. برای آگاهی از متن کامل بیانیه دکتر مصدق، نک: روزنامه‌داد، ش: ۵۷۷، یکم آبان ۱۳۲۴ و کی‌استوان، همان؛ ص ۱۶۴.

۳. روزنامه‌اطلاعات، ش: ۳۰، ۵۸۸۹، مهر ۱۳۲۴؛ ص ۱.

۴. روزنامه‌کیهان، ش: ۳۰، ۷۹۳، مهر ۱۳۲۴؛ ص ۱.

پس از استعفای صدر، به علت شرایط سیاسی و مشخص شدن این واقعیت که رویارویی میان اکثریت و اقلیت، زیان‌آور بوده است، دو گروه به سازش رسیدند و حکیمی را به نخست‌وزیری برگزیدند. کابینه دوم حکیمی از هر نظر، پیشرفت قابل توجهی نسبت به دولت نافرجام قبلی او به شمار می‌آمد. وی در انتخاب همکارانش با نمایندگان به مشورت پرداخت و کوشید تا علایق و اولویت‌های اقلیت را مدنظر قرار دهد.<sup>۱</sup> حکیمی تصمیم داشت در برخورد با گروه‌های چپ و فرقه تازه‌تأسیس آذربایجان، قاطعیتی از خود نشان دهد، بر این اساس، در اولین اقدام، دستور اشغال مراکز و دفاتر وابسته به حزب توده را صادر کرد.<sup>۲</sup> این اقدام با مخالفت و اعتراض گسترده طرفداران حزب توده مواجه شد و آن‌ها در تلگراف‌هایی خواهان فعالیت آزادانه حزبی شدند که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کرد.<sup>۳</sup> رویه‌ای که حکیمی در پیش گرفت، حلال مشکل نبود. همچنین او نه تنها نتوانست با شوروی‌ها کنار بیاید بلکه مخالفت انگلستان را هم برانگیخت. شوروی‌ها اعلام کردند که فقط با قوام‌السلطنه می‌توانند باب مذاکره را مفتوح کنند و همچنین خواستار پایان دادن به محدودیت‌های وضع شده برای حزب توده شدند. بولارد نیز که از آغاز به این سیاست فرونشاندن جناح راست بی‌اعتماد بود، اکنون استدلال می‌کرد که تمرکزگرایی، علت واقعی نابسامانی کنونی است و به منظور حفظ منافع انگلیس، اعطای خودمختاری به همه استان‌ها به‌ویژه استان‌های جنوبی را پیشنهاد کرد.<sup>۴</sup> بیم آن می‌رفت که کشور به موجب برنامه استعماری انگلیسی‌ها تجزیه گردد و به صورت حکومت‌های خودمختار جداگانه‌ای درآید.<sup>۵</sup> این امر، سبب شد که نمایندگان اقلیت به این نتیجه برسند که کسی را به نخست‌وزیری انتخاب کنند که «مورد قبول مسکو» باشد. به همین دلیل، روز اول بهمن ماه ۱۳۲۴، حکیمی ناچار به استعفا شد.

دکتر مصدق، لیدر دسته اقلیت مجلس چهاردهم و سید محمدصادق طباطبایی رئیس مجلس شورای ملی، قوام را بیش از هرکس، مستعد و شایسته نخست‌وزیری می‌دانستند و به زمامداری او علاقه و دل‌بستگی داشتند.<sup>۶</sup> اما اکثریت که با سفارت انگلیس در ارتباط بودند، به دنبال راه حلی می‌گشتند که از روی کار آمدن قوام «زیرک، حيله‌گر، توطئه‌چین و غیرقابل اعتماد»<sup>۸</sup> جلوگیری کنند. آن‌ها بدین منظور از مؤتمن‌الملک پیرنیا خواستند تا وارد صحنه شود و زمامداری را قبول کند. پس از ۶ روز تعویق تشکیل جلسات مجلس، روز ششم بهمن ۱۳۲۴، جلسه خصوصی مجلس برای گرفتن رأی اعتماد در خصوص نخست‌وزیر جدید تشکیل یافت. حضار، پنجاه و یک رأی به نام پیرنیا دادند و

۱. عظیمی، همان؛ ص ۱۷۷.

۲. مرکز اسناد مجلس، (شماره بازیابی): ۱۴/۵۸/۱/۱/۹۷/۳.

۳. همان، ۸۳/۶/۱/۶۸/۶.

۴. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، همان؛ ص ۲۷۳.

۵. آرامش، همان؛ ص ۷۳.

۶. آبراهامیان، همان؛ ص ۲۷۳.

۷. آرامش، همان؛ ص ۸۱.

۸. نامه بولارد به لرد هالیفاکس وزیر امور خارجه (شرح حال رجال عصر پهلوی)، ۲۴ آوریل ۱۹۴۰ (۱۳۱۹/۲/۴).

«پنجاه و دو»<sup>۱</sup> یا «پنجاه و سه»<sup>۲</sup> رأی به نام احمد قوام. قوام عصر همان روز از طرف شاه، مأمور تشکیل کابینه گردید.

کمیسیون حزب توده هم در این زمان به طرفداری از قوام برخاست و با وی ائتلاف کرده و در کابینه او شرکت نمود. یکی از اعضای حزب توده، دلیل همراهی آنان با قوام را این گونه توجیه می‌کند:

قوام نقش بازی کرد که حزب را وادار به همکاری با خود کند. او قبل از اینکه رأی اعتماد بگیرد، گفت که می‌خواهد به مسکو برود و مسئله آذربایجان و نفت را با آنان حل کند. ما دیدیم که این موضع، بد نیست و باید او را تقویت کرد ...<sup>۳</sup>

قوام چون از موقعیت خود در مجلس مطمئن نبود، سیاست دفع‌الوقت منظمی را در پیش گرفت. وی برای ترکیب کابینه جدید، سه هفته تمام با شاه مذاکره کرد و سرانجام وزارت کشور و امور خارجه را به خود اختصاص داد. وی پنج وزارتخانه را به طرفدارانش و سه وزارتخانه را به هواداران دربار سپرد. قوام تنها بیست ساعت پیش از پرواز به مسکو، کابینه را به مجلس معرفی کرد و با کمک رئیس مجلس، نمایندگان را متقاعد ساخت که رأی اعتماد را تا بعد از اتمام مأموریت وی در مسکو، به تعویق اندازند. وی در مسکو نیز وقت زیادی را هدر داد و حتی مدتی برای تفریح به کپف رفت و گفتگوها را ناتمام گذاشت.<sup>۴</sup>

در این هنگام فراکسیون حزب توده، نقش مهمی در حفظ موقعیت قوام و نجات او از چالش مجلس چهاردهم ایفا کرد. هنگامی که قوام در مسکو به سر می‌برد، مخالفان او در میان نمایندگان دست به تحریکاتی جهت بیرون راندن او از صحنه زدند لیکن فراکسیون حزب توده برای به حدتصاب نرسیدن نمایندگان جهت تشکیل جلسه، با استفاده از سیاست آبستراکسیون مجلس را تحریم کردند و حزب توده یا «جمعیت طرفدار شوروی»<sup>۵</sup> نیز در بیرون از مجلس، با برگزاری تظاهرات و اغتشاشات، مانع از تشکیل چند جلسه آخر مجلس گردید.<sup>۶</sup> نمایندگان گروه مخالف قوام هم که نمی‌توانستند جلسه رسمی تشکیل دهند، روزهای بعد را به انتقاد از یکدیگر سپری کردند. بدین ترتیب، قوام از محدودیت‌های ناشی از هرنوع قانون‌گذاری در مورد دوران فترتی که بین پایان مجلس چهاردهم و آغاز دوره پانزدهم پیش می‌آمد، نجات داده شد و حتی خود اعضای فراکسیون توده هم بر این امر، معترف بودند که فراکسیون توده بود که قوام را نگه داشت و با سیستم آبستراکسیون اجازه نداد که مخالفان قوام وی را عزل کنند.<sup>۷</sup>

سرانجام پس از مدتی طولانی و یک روز پیش از تشکیل آخرین جلسه مجلس، قوام به تهران بازگشت و روز بعد، یک ساعت پیش از پایان آخرین جلسه، خود را به نمایندگان معرفی کرد. آنگاه وی با حالتی

۱. آرامش، همان؛ ص ۸۳.

۲. سفری، همان؛ ص ۱۶۱.

۳. اسکندری، ایرج، *خاطرات سیاسی*، به کوشش علی دهباشی (تهران: علمی، ۱۳۶۸)؛ ص ۱۳۱.

۴. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، همان؛ ص ۲۷۵.

۵. میلیسپو، آرتور، *آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مه‌دوی (تهران: البرز، ۱۳۷۰، چاپ اول)؛ ص ۲۱۰.

۶. طرفداران قوام از ۱۵ اسفند تا آخرین روز قانونی مجلس، همه‌روزه صبح و عصر، عده زیادی را پیرامون مجلس و میدان بهارستان گرد آورده و به نمایندگان اهانت و از ورود آنان به مجلس ممانعت می‌نمودند؛ نک: کی‌استوان، همان؛ ص ۲۸۱ و آرامش، همان؛ ص ۱۰۵.

۷. اسکندری، همان؛ ص ۳۸۷.

طعنه‌آمیز، اظهار تأسف کرد که نبود وقت و حدتصاب لازم، مانع از آن شد تا نمایندگان جلسه مفید و مهمی درباره دولت و مذاکرات خارجی وی برگزار کنند.<sup>۱</sup> در نتیجه، قوام به واسطه دفع وقت و آبستراکسیون هوادانش توانست بدون هیچ قید و شرطی در دوره فترت زمامدار شود.

### نتیجه

آبستراکسیون، هم برای اقلیت و هم برای اکثریت، نتایج مثبت و منفی به همراه داشت. در دوره صدر، نخست‌وزیر و یارانش از عدم حضور اقلیت در جلسات مجلس استفاده کردند و موفق شدند انتخابات دوره پانزدهم مجلس را تا پس از تخلیه خاک ایران از قوای متفقین به تعویق اندازند و همچنین صدر موفق به ارائه چند خدمت مهم به انگلیسی‌ها شد؛ انگلیسی‌ها انعقاد موافقت‌نامه‌ای بین وزارت دارایی و بانک شاهنشاهی ایران را مدیون او بودند چراکه در جهت منافع آنان و از اهمیت زیادی برخوردار بود. با این حال، اکثریت موفق نشدند به بسیاری از خواسته‌های خود از جمله نگاه‌داشتن صدر بر مسند قدرت دست یابند.

اما نمایندگان اقلیت علاوه بر جلوگیری از تحکیم کابینه صدر، موفق شدند خود را که در فراگردهای سیاسی به حاشیه رانده شده بودند، دوباره به صحنه وارد کنند. هنگامی که در ۱۴ مهر ۱۳۲۴ رئیس و نواب رئیس مجلس همگی از میان اکثریت انتخاب شدند، مصدق شکوه کرد که اقلیت، نادیده گرفته شده است و گفت که اگر اکثریت رعایت حال اقلیت را نکند و آن‌ها را در کارهای عمومی مملکت و در امور سیاسی دخالت ندهد، باز آبستراکسیون را ادامه می‌دهند. با این وجود، اقلیت نتوانست به سیاستی مشترک یا هدفی جامع که جملگی در پی آن باشند، دست یابد. مصدق برنامه‌ای مشخص ارائه کرد و همواره خواستار اصلاح نظام انتخاباتی بود اما این برنامه بیش از هر چیز، حاصل اعتقادات و علایق شخص او بود و نه جزئی از اهداف دسته‌جمعی اقلیت. علاوه بر این، نمایندگان اقلیت، پشتیبانی عمومی را در حدی جلب نکردند که بتوانند نیازها و آرزوهای بی‌شکل و نامشخص کسانی که مدعی نمایندگی آنان بودند را به مجموعه منسجمی از تقاضاهای مشخص تبدیل کنند. آنان نتوانستند نخبگان حاکم را وادار سازند که سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوتی با آنچه داشتند، بپذیرند و موفق نشدند قواعد بازی سیاسی را به زیان رقیبان خود تغییر دهند.

اما در دوره نخست‌وزیری قوام، آبستراکسیون بیشترین نفع را به شخص نخست‌وزیر رساند چراکه او توانست در نتیجه آبستراکسیون هوادانش همچنان در دوران فترت، نخست‌وزیر باقی بماند.

صرف‌نظر از آنچه اکثریت و اقلیت به دست آوردند یا از دست دادند، بدون شک، وقت زیادی به هدر داده شد و مجلس نتوانست وظیفه قانون‌گذاری خود را به‌گونه‌ای مثبت و مؤثر انجام دهد. مباحثات مستدل و بحث‌های آرام پارلمانی پیرامون موضوعات مورد علاقه عمومی یا تفسیرهای متفاوتی که از مفاد قانون اساسی به عمل می‌آمد، غالباً تحت‌الشعاع فریادهای پر از دشنام و ناسزا قرار می‌گرفت و بسیاری از نمایندگان نسبت به فوریت و اهمیت مسائلی که از آن‌ها انتظار می‌رفت، حساسیت نداشتند. ناتوانی مجلس در پرداختن به قانون‌گذاری و سایر وظایف، ضمن درگیری‌ها و اختلافات داخلی آن به بی‌ثباتی سیاسی ایران کمک کرد و دستاورد مهم انقلاب مشروطه را زیر سؤال برد. همین عملکرد ضعیف مجلس بود که شاه را به فکر تجدیدنظر در قانون اساسی و افزایش اقتدار خود انداخت.

۱. آبراهامیان، همان.



پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتو فرعي  
پرتال جامع علوم انساني